

پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

از دیدگاه قرآن

زینب افسری

مقدمه

خدای را سپاس و ستایش که بر آدمی منت نهاد و او را خلیفه‌ی خویش در زمین و مسجود ملائک در کائنات کرد و به او نعمت‌ها و فرصت‌هایی عنایت فرمود که باعث سعادت‌مندی وی خواهند شد. امید آن‌که ما نیز نعمت‌ها و فرصت‌های مغتنمی را که خداوند به ما ارزانی داشته است، قدر بشناسیم و از آن‌ها به خوبی بهره‌جوییم و با کسب علم و معرفت، موجبات رضایت‌کردگار سپهر و سربلندی ایران اسلامی را فراهم سازیم.

قرآن کریم بسیاری از ابعاد گوناگون پیچیده‌ی بشر را قبل از آن‌که مکاتب روان‌شناسی قرن بیستم بخواهند درباره‌ی آدمی اظهارنظر کنند، روشن ساخته است. امروزه علم روان‌پزشکی، همان چیزهایی را تعلیم می‌دهد که پیامبران تعلیم می‌دادند. حتی پزشکان و روان‌شناسان دریافته‌اند که دعا، نماز و داشتن ایمانی محکم به دین، نگرانی، تشویش، هیجان و ترس را برطرف می‌سازد (الابذکرالله تطمئن القلوب).

همه‌ی انسان‌ها خواهان آرامش خاطر، و دوری از نگرانی‌های روحی و

افسردگی‌های روانی هستند، زیرا هیچ عاملی همچون آرامش خاطر،

در ایجاد شادابی و نشاط در انسان مؤثر نیست. نیز اموری مانند

امیدواری به آینده، شیرینی زندگی و موفقیت‌های بشر در زمینه‌های

متفاوت، از آثار اطمینان‌قلبی و آرامش روحی هستند؛

همان‌طور که برعکس نیز، دغدغه‌های فکری و اضطراب‌های روحی،

مانع زندگی شیرین و روشنائی دل انسان خواهند بود و از مهم‌ترین

عوامل غم و افسردگی بشر به‌شمار می‌آیند. به همین سبب،

قرآن مجید نیز به ارزش آرامش درونی انسان‌ها اشاره

می‌کند و می‌فرماید: «هو الذی انزل سکینه فی قلوب

المؤمنین»: او کسی است که سکینه و آرامش خود را بر

دل‌های مؤمنان نازل کرده است.

خداوند متعال در سوره‌ی شمس، آیه‌های ۷ و ۸

می‌فرماید: «سوگند به روان و آن‌که برابری ساخت و

فجور و تقوا را به او الهام کرد.»

از دو آیه‌ی فوق استنباط می‌شود که اسلام بر

خلاف برخی مکاتب بشری، نگرش بدبینانه‌ای نسبت

به انسان ندارد. به علاوه، این استعداد را در او می‌بیند

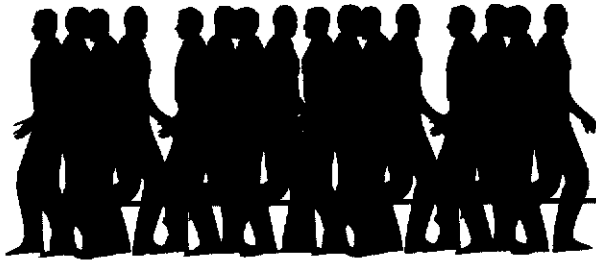
که راه پاک، تقوا، و خیر را در پیش گیرد.

طبق آیات و روایات اسلامی، در انسان توانایی خیر و

شر وجود دارد و این فرد است که باید مسیر خود را برگزیند. در

این مقاله به‌طور مبسوط موضوع آسیب‌های اجتماعی را مورد

بررسی قرار می‌دهیم.



خداوند متعال در آیات قرآن به شکل های گوناگون، راه های پیشگیری از مشکلات و به انحراف کشیده شدن انسان ها را مطرح می کند و برای همان مشکلاتی که امروز به عنوان آسیب های اجتماعی مطرحند، معمولاً با خطاب «یا ایها الناس»، زمینه ی پیشگیری را فراهم می نماید. این خطاب در قرآن حدود ۲۰ بار تکرار شده و یک خطاب جامع و عمومی است و نشان می دهد که قرآن مخصوص نژاد، قبیله و طائفه ای خاص نیست، بلکه همگان را در این دعوت عام شرکت می دهد. در آیات زیادی نیز با خطاب «یا ایها الذین آمنوا»، به مؤمنان راه درست را متذکر شده است.

با نگاه دقیق به آیات قرآن و عمل به آن، مطمئناً فرد دچار آسیب و خطر نمی شود؛ برای مثال می فرماید: «یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید»: ای مردم شما همگی نیازمندان به خدا هستید و تنها خداست که بی نیاز و شایسته ی هرگونه حمد و ستایش است. در این آیه ی شریفه، به منظور پیشگیری از آسیب های ناشی از غرور، آدمی را از غرور که عصبان و نافرمانی از خدا را به دنبال دارد، منع کرده است. زیرا این نافرمانی، در نهایت انسان را اسیر دست شیطان می کند و به هلاکت می رساند. توجه به این واقعیت، دو اثر مثبت در انسان ها بر جای می گذارد: از یک سو آن ها را از مرکب غرور، خودخواهی و طغیان پیاده می کند و به آن ها هشدار می دهد، چیزی از خود ندارند که به آن ببالند و هرچه هست، امانت های پروردگار نزد آن هاست. و از سوی دیگر، دست نیاز به درگاه غیر او دراز نکنند، طوق عبودیت غیر خدا را بر گردن نهند و از همه ی تعلقات آزاد باشند تا سعادت مند شوند.

جای دیگری نیز در آیه ای می فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر»: ای مردم، ما همه ی شما را از مرد و زن آفریدیم و آن گاه شعبه های بسیار و فرقه های گوناگون گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. بزرگواری و بافتخارترین شما نزد خدا، با تقواترین شماست و خدا دانا و آگاه است. در این آیه، خداوند متعال به همه ی مردم هشدار داده است که هیچ قومی بر قوم دیگر، یا فردی بر فرد دیگر برتری ندارد و آنچه باعث برتری و افتخار می شود، تقوا و ایمان افراد است؛ نه ثروت، قدرت، نژاد و...

مقایسه ی این آیه با آیه ی ذکر شده در بالا و ملاحظه ی

تفاوت های این دو آیه با هم، دو نکته ی لطیف را به ما می فهماند: در آیه ی اخیر می فرماید: «من طیبات ما رزقناکم»: از غذاهای پاکی که به شما روزی دادیم... در حالی که در آیه ی پیشین می گوید: «مما فی الارض»: از آنچه که در زمین است... این تفاوت گویا اشاره به این است که نعمت های پاکیزه، در اصل برای افراد با ایمان آفریده شده اند و افراد بی ایمان، به برکت آن ها روزی می خورند. همانند آبی که باغبان برای آبیاری گل ها در جوی ها جاری می سازد، ولی خارها و علف های هرز نیز از آن بهره می گیرند. دیگر این که به مردم عادی می گوید: بخورید و پیروی از گام های شیطان نکنید. ولی به مؤمنان می گوید: بخورید و شکر خدا را به جا آورید و حسن استفاده را شرط می کند. در حقیقت، از مردم عادی تنها انتظار می رود گناه نکنند، ولی از افراد با ایمان انتظار می رود که این نعمت ها را در بهترین راه مصرف کنند.

در آیه ی دیگری خداوند فرموده است: «یا ایها الناس قد جاءکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمه للمؤمنین. یونس، ۱۰»: ای مردم، اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده، درمان آنچه در سینه هاست و هدایت و رحمت برای مؤمنان. در این آیه، چهار مرحله از مراحل تربیت و تکامل انسان در سایه ی قرآن شرح داده شده است: ۱. مرحله ی موعظه و اندرز. ۲. مرحله ی پاکسازی روح از انواع رذائل اخلاقی. ۳. مرحله ی هدایت که پس از پاکسازی انجام می گیرد. ۴. مرحله ای که انسان لیاقت آن را پیدا کرده است تا مشمول رحمت و نعمت پروردگار شود.

هر یک از این مراحل به دنبال دیگری قرار دارد و جالب این که تمام آن ها، در پرتو قرآن انجام می گیرند. قرآن است که انسان ها را پند و اندرز می دهد، زنگار گناه و صفات زشت را از قلب آن ها می شوید و نور هدایت را به دل ها می تاباند. و نیز قرآن است که نعمت های الهی را بر فرد و جامعه نازل می گرداند. این مطالب می رسانند که قرآن نسخه ای است برای بهبودی فرد و جامعه از انواع بیماری های اخلاقی و اجتماعی. این همان حقیقتی است که مسلمانان آن را به دست فراموشی سپرده اند و به جای این که از این داروی شفابخش بهره گیرند، درمان خود را در مکتب های دیگر جست و جو می کنند. در واقع، این کتاب بزرگ آسمانی را فقط یک کتاب خواندنی قرار داده اند، نه اندیشدنی و عمل کردنی.

آیات زیادی از قرآن، با عبارت «یا ایها الذین آمنوا»، خطاب به مؤمنان است و به منظور یادآوری و تذکر و نشان دادن راه

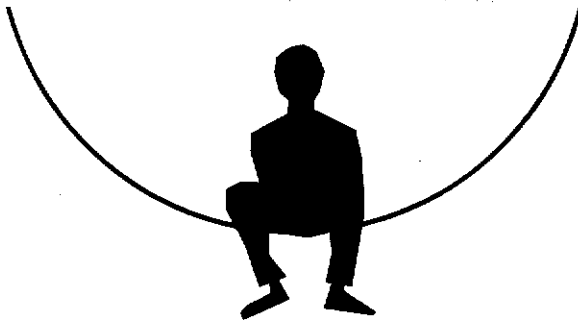
درمان برای مشکلاتی است که به دلیل بی توجهی به آن ها دچار شدند. از جمله در آیه ای، خداوند می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلوه ان الله مع الصابرين»: ای اهل ایمان، از صبر و نماز استعانت (کمک) بجویید، همانا خدا با صابران است.

همان طور که مشخص است، در این جا توصیه به صبر و نماز در برابر مشکلات و سختی ها شده است. زیرا اگر فرد دچار مشکلی شد و بی تابی کرد، علاوه بر این که بی تحملی مشکل او را چند برابر می کند، در آن حالت خود را شکست خورده و بدبخت نیز می یابد. بنابراین از پیدا کردن راه حل مناسب هم عاجز خواهد شد. به عکس آنچه بعضی تصور می کنند، صبر به معنی تحمل بدبختی ها و تن دادن به ذلت و تسلیم در برابر عوامل شکست نیست، بلکه صبر و شکیبایی به معنی پایداری و استقامت در برابر هر مشکل و حادثه ای است. تاریخ زندگی بزرگ مردان گواهی می دهد که یکی از عوامل مهم یا مهم ترین عامل پیروزی آنان، استقامت و شکیبایی بوده است. افرادی که از این صفت بی بهره اند، در گرفتاری ها بسیار زود از پا درمی آیند. می توان گفت، نقشی را که این عامل در پیشرفت افراد و جامعه ایفا می کند، نه فراهم بودن امکانات قادر به انجامش خواهد بود و نه استعداد و هوش و مانند آن ها، به تنهایی.

خداوند در آیه ای می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون. بقره، ۱۸۳»: ای اهل ایمان روزه بر شما نوشته شد، همان گونه که بر کسانی قبل از شما نوشته شده بود، تا پرهیزگار شوید. روزه عامل مؤثری است برای پرورش روح تقوا و پرهیزگاری در تمام زمینه ها و ابعاد گوناگون اخلاقی؛ از جمله بعد اخلاقی و فلسفه ی تربیتی. از فایده های مهم روزه، این است که روح انسان را تلطیف، اراده ی او را قوی، و غرایز را تعدیل می کند. در حقیقت، فلسفه ی روزه همین اثر روحانی و معنوی آن است و با محدودیت های موقتی خود، به انسان مقاومت، قدرت اراده و توان مبارزه با حوادث سخت را می آموزد و چون غرایز سرکش را کنترل می کند، بر قلب انسان نور و صفا می پاشد.

علاوه بر این، روزه اثر بهداشتی دارد و درمان انواع بیماری ها است. چون عامل بسیاری از بیماری ها زیاده روی در خوردن است و امساک از طریق روزه، اثر معجزه آسایی در درمان بیماری ها دارد. همچنین اثر اجتماعی روزه نیز قابل انکار نیست.

وفای به عهد، از اساسی ترین شرایط زندگی دسته جمعی است و بدون آن، هیچ گونه همکاری اجتماعی ممکن نیست. بشر با از دست دادن این خصیصه، زندگی اجتماعی و مزیت های آن را عملاً از دست خواهد داد. به همین دلیل، در منابع اسلامی تأکید زیادی روی این موضوع شده است



عنوان دوست معرفی می کنند و به ظاهر از مسلمانان طرفداری می کنند، ولی کارهایشان نشان می دهد که دروغ می گویند. مسلمانان فریب ظاهرشان را می خورند و به آنان اعتماد می کنند. در صورتی که آنان برای مسلمانان جز پریشانی و بیچارگی و تباهی چیزی نمی خواهند و از ریختن خار بر سر راه ایشان و به دشواری افکندن نشان کوتاهی نمی کنند. سپس قرآن اضافه می کند: «ما برای شما این آیات را بیان کردیم که اگر در آن تدبیر کنید، به وسیله ی آن می توانید دوست پیدا کنید» (قد بینا لکم الایات ان کتم تعقلون).

نتیجه

قرآن، این کتاب عظیم و پرمحتوا، همانند کتاب های عادی دارای یک بعد نیست و به اصطلاح، بطن هایی دارد که درون هر بطنی، بطن دیگری نهفته است. به تعبیر دیگر، هر کس به مقدار عمق فکر خویش و به اندازه ی فهم و آگاهی و شایستگی اش از قرآن استفاده می کند؛ بی آن که عمق و کرانه های آن بر کسی آشکار باشد. مسلماً هیچ کس از کنار چشمه ی قرآن محروم بازمی گردد. همه ی انسان ها از هر قشر و قومی باشند، می توانند با استفاده از قرآن و عمل به آیات آن از ناسامانی ها، مشکلات و آسیب ها نجات پیدا کنند و با انتخاب راه درست، با استناد به آیات قرآن، سعادت مند و موفق شوند. همچنین نزدیک ترین و مطمئن ترین وسیله ی شناخت اسلام، غور و بررسی در متن قرآن مجید، کتاب بزرگ آسمانی است. با امید به این که همه ی ما، راهی را در زندگی انتخاب کنیم که خداوند از طریق قرآن به ما پیشنهاد کرده است و در تمام مراحل زندگی، از آیات قرآن الگو بگیریم.

خداوند! چشم ما را بینا، گوش ما را شنوا و فکر ما را صائب، زاینده و کارساز فرما تا بتوانیم، به تعلیمات کتابت راه یابیم و از آن، چراغ پرفروغی برای خود و دیگران فراهم سازیم. والسلام.

روزه درس مساوات و برابری در میان افراد اجتماع است، چون افراد غنی هم طعم گرسنگی را می چشند و نسبت به فقیران ادای حق می کنند. پس می بینیم همین توصیه، تا چه میزان اثر درمانی برای رفع مشکلات جسمی و روحی دارد.

یا در آیه ی «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود...»: ای اهل ایمان به پیمان ها و قراردادهای وفا کنید...، خداوند افراد با ایمان را ملزم به پیمان هایی می کند که در گذشته با خدا بسته اند. درست همانند این است که شخص مسافر، در آخرین لحظات وداع به نزدیکان و پیروان خود تأکید می کند که توصیه های او را فراموش نکنند و به قول و قرارهایی که با او گذاشته اند وفادار باشند. این آیه، اهمیت وفای به عهد و پیمان را مورد توجه قرار داده است، چراکه وفای به عهد، از اساسی ترین شرایط زندگی دسته جمعی است و بدون آن، هیچ گونه همکاری اجتماعی ممکن نیست. بشر با از دست دادن این خصیصه، زندگی اجتماعی و مزیت های آن را عملاً از دست خواهد داد. به همین دلیل، در منابع اسلامی تأکید زیادی روی این موضوع شده است. شاید کم تر موضوعی باشد که این قدر گسترده باشد، زیرا بدون آن، هرج و مرج و عدم اطمینان عمومی که بزرگ ترین بلا ی اجتماعی است، در میان بشر پیدا می شود.

خداوند در قرآن کریم، توصیه کرده است که محرم اسراری از غیر خود انتخاب نکنند: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانه من دونکم لایالونکم خبایا و دوا ما عنتم قد بدت البعضاء من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر قد بینا لکم الایات ان کتم تعقلون. نساء، ۱۱۸»: ای کسانی که ایمان آورده اید، محرم اسراری از غیر خود انتخاب نکنید، از آن ها که از هرگونه شر و فساد ی دربارہ ی شما کوتاهی نمی کنند. آن ها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. نشانه های دشمنی از دهان و کلامشان آشکار است و آنچه در دل هایشان پنهان می دارند، از آن مهم تر است. ما آیات و راه های پیشگیری از شر آن ها را برای شما بیان کردیم، اگر اندیشه کنید.

خداوند در این آیه به مؤمنان هشدار داده است که دشمنان خود را جزو خاصان خویش قرار ندهند و رازهای مسلمانان و نیک و بد ایشان را در برابر این گروه آشکار نسازند. این اعلام خطر، به صورت فردی و عمومی است و مسلمانان باید در هر زمان و در هر حال، به این هشدار توجه کنند. ولی متأسفانه بسیاری از پیروان قرآن، از این هشدار غفلت ورزیده اند و در نتیجه گرفتار ناسامانی های فراوان شده اند. هم اکنون در اطراف مسلمانان، دشمنانی هستند که خود را به